

بسم الله الرحمن الرحيم

مجازات اهل انکار و قساوت از

جهتی که فکرش را نمیکنند!

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ: «بتحقیق بسیاری از جن و انس (ذی شعورهای ناشناخته و ذی شعورهای شناخته شده - انسان) را خاص جهنم قرار دادیم، زیرا آنها قلب (روح و استعداد درک و فهم) را دارند ولی به علت بکار نیانداختن آنها نمی فهمند و ادراک ندارند، دارای چشم هستند و توان دیدن واقعیات و حقایق را دارند اما بی توجهی میکنند و در نتیجه واقعیات و حقایق را نمی بینند، صاحب گوش هستند لیکن به دلیل بی خیالی و عدم جدیت بدان نمی شنوند. اینها مانند حیوانات هستند و بلکه از حیوانات گمراهتر و احمق ترند. آنها «غافلان» هستند و استعدادهای برتر و ویژه انسانی خود را بکار نیانداخته و آنها را هدر داده و تلف کرده اند.»

در قرآن و نزد الله رب العالمین، غفلت، که از عدم بکارگیری نیروها و قوای ذاتی و خدادادی انسانها ناشی میشود، جرم محسوب میگردد. زیرا از این نیروها و بکارگیری آنها و توجه به آنها که وسیله عقل و شعور و هدایت و راه رسیدن به پیروزی و سعادت بشریت هستند، کوتاهی شده است. این مانند کسی است که سواد خواندن و نوشتن و امکان کسب علم و دانش را دارد اما تلاشی برای استفاده از سواد خود نمیکند و لیاقتش در رده بیسوادان است. انسانهایی هم که از تواناییها و استعدادهای عالی انسانی استفاده نمیکنند، مثل اینست که آن تواناییها و استعدادهای را ندارند و در رده حیوانات هستند، و چون به آنها خیانت کرده و آنها را به هدر داده اند، از حیوانات پایین تر و پست تر میباشند.

باید دانست که غفلت دارای منشاءها و علل گوناگون است. اما مهمترین منشاءها و علل غفلت، یکی به بازی گرفتن زندگی و عدم جدیت و بی خیالی است، که اینهم به نوبه خود ناشی از فرهنگ و عرفی پایین و مأخوذ از محیط عقب مانده اجتماعی و خانوادگی و مرتبط با عدم درک مسائل و مشکلات و واقعیات است. و همه اینها باعث میشوند که امور زندگی رها شود و به چیزی رسیدگی نگردد و

مشاکل و مصائب فردی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی و انبار گردند .
منشاء و علت دوم غفلت ، کینه و عداوت و قساوت است . این وضعیت روحی ،
استعدادهای انسانی را قفل و راکد میکند و توانایی عقل و شعور و ادراک را از
انسانها سلب نموده و از بکار افتادن آنها جلوگیری میکند . بدیهی است که این
منشاء و عامل سلب کننده عقل و ادراک نیز عللی دارد ، که تربیت غلط و انحصار-
طلبی و مطلق نگری ، جزو این منشاءها و عوامل هستند . زیرا این خصایل فاسد
و ضد انسانی به نتیجه نمی رسند ، و اگر هم برسند نیازمند زور و نزاع و خشونت و
سلطه گری هستند ، که اینهم سرآغاز عداوت و کینه ها و قساوتهای بیشتر می گردد .
و چون صاحبان این خصایل و روحیات خودخواهانه و سلب کننده حقوق بشریت ،
سخن و حقوق و موجودیت دیگران را به رسمیت نمی شناسد و دیگران را نادیده
میگیرند و روح دگر بینی و فهم به رسمیت شناسی دیگران را از دست داده اند ، به
محض به میدان آمدن و به خطر افتادن آنچه حاصل نامشروع این روحیات است ،
خشمگین میشوند و راه بیخردی و قساوت و عداوت را در پیش میگیرند و کارشان
به تکذیب و انکار و کفر منتهی میشود .

منشاءها و علل زیادی را میتوان برای غفلت انسانها و جوامع ذکر کرد . لیکن بطور
خلاصه میتوان گفت : هر چیزی که مطلق گردد ، مایه و عامل « غفلت » و باعث از
کار افتادن نیروها و استعدادهای انسانی و موجب بی شعوری انسانها و جوامع
میگردد ، و نتیجه بیشعوری و از کار افتادن خصایل و استعدادهای انسانی و قفل
و مسدود شدن آنها ، قساوت و عداوت و انکار است ، که بالاخره « کفر » در پی
می آورد . و آیات زیر که در رابطه با کفر و قساوت و ریشه آن یعنی کینه و عداوت
هستند در بلاغت تمام این قضیه را روشن می سازند : **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ . خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ
غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ :** « الحق دعوت و عدم دعوت کفار بسوی ایمان فرقی به
حالشان نمیکند و ایمان نمیآورند و کار روی آنها بیهوده و مثل اینست که چیزی
به آنها گفته نشده است . بر قلوب و چشمها و شنوایی این انسانها مهر باطل زده
شده و توان و استعداد تغییر از آنها سلب شده و توان درک واقعیات و حقایق را از
دست داده اند . **« أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبِ أَقْفَالُهَا :** « آیا در آیات قرآن تدبر
و تفکر نمی کنند یا قلوبشان (روح و استعداد و شعورشان) قفل و راکد شده ، و
بدلیل کینه و عداوت ، قاسی و بی خاصیت شده است؟ » .

روش توحیدی در پاسخ به انکار و قساوت و الحاد :

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي الْأَسْمَاءِ سَيَجْزُونَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ : « بهترین نامها و صفات مختص الله است ، پس ای محمد مردم را بسوی اَسْمَاء و صفات توحیدی دعوت و راهنمایی نما و از ملحدین و منکرین اسماء و صفات الله بگذر و به آنها توجه مکن . آنها به دلیل انکار عنادآمیز مجازات شده و بزودی جزای اعمالشان داده خواهد شد . »

هدف از بیان اسماء و صفات الله تنها برای خدا شناسی نیست ، بلکه همانگونه که در نص آیه بیان شده است ، دعوت مردم و همه انسانها بسوی این اسماء و صفات است ، دعوتی که در صورت اجابت شدن و گرویدن مردم به آنها ، منجر به اجرای این اسماء و صفات خواهد شد ، و در نتیجه ، جامعه توحیدی مستقر خواهد شد . و اصلاً هدف دعوت و آموزش ، اجرا و تنفیذ آن چیزهایی است که مردم و انسانها برایش دعوت و آموزش داده میشوند .

در رابطه با ماهیت اسماء الله هم باید گفت : اولاً اسمای حُسنای الله رب العالمین ، شامل همه علوم هستی و واقعیات و حد اقل شامل همه آن علوم است که میتواند به اختیار و تصرف بشریت درآید و عقل و استعداد های بشری میتواند بدان دسترسی پیدا کند . و این واقعیت در داستان خلقت آدم و تعلیم اسماء به او نیز آمده است . و در این آیه مشخصاً محمد مصطفی و به تبع آن همه مؤمنین و مسلمین و موحدین موظف شده اند که دعوت به ارزشهای توحیدی و قوانین توحیدی کنند و آنها را جهت اجراء و اعمال و تنفیذ در زندگی و برای صلاح و سعادت بشریت آموزش دهند . ارزشها و قوانینی که در اسمای حُسنای الله متجلی شده اند . و این اسماء و صفات ، در صورت مطالعه قرآن و توجه به اسماء و صفات الله در آن ، که بیانگر ارزشها و قوانین توحیدی هستند ، هرچه روشنتر میشوند .

پذیرش اسماء و هدایت بشر

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ : « از آنچه خلق کردیم جماعتی بوسیله شنیدن و دریافت حق و حقیقت هدایت میشوند و در سایه آن متوازن گشته و اهل عدالت میگردند . »

این آیه تصریح میکند که اسماء و صفات الله و ارزشهای توحیدی مورد استجابت بشر قرار خواهند گرفت ، بشریتی که امکان هدایت شدن را داراست ، و بشریتی که دارای آن توانایی روحی و فرهنگی و عقلی هست که بوسیله ارزشها و قوانین توحیدی

متوازن شده و لیاقت قیام جهت استقرار عدالت را بدست می آورند . البته قرآن از هدایت شدن امتی خبر میدهد ، که این امت بعضی از بشریت را در بر میگیرد . آیا از این آیه میتوان چنین برداشت کرد که همه بشریت امکان و لیاقت هدایت را بذات ندارد و مسلمان نخواهد شد و در نتیجه بخشی از بشریت متوازن و معتدل و اهل عدالت نخواهد گشت ؟

ما این استنباط را نمی پذیریم ، و نظر ما بر اینست که مقصود آیه از هدایت شدن امت و جماعتی ، « کثرت و شمولیت نیست » بلکه « نوعیت و ماهیت » است . بر این اساس ، مفهوم این آیه چنین میشود : از آنچه خلق کردیم امت و جماعتی که زمینه و لیاقت را دارند هدایت میشوند ، که در طی زمان و در طی رشد بشریت ، دایره این هدایت ، با توجه به سیر رشد و تکامل بشریت ، بزرگتر و وسیعتر شده و بالاخره این دایره میتواند همه بشریت را در بر گیرد . و این تلقی با آیات دیگر قرآن هم منطبق میباشد . و آیه : **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** ، نمونه این آیات است . و این آیه (و آیات دیگر) ، امکان جهانی شدن رحمت و هدایت در سایه نبوت محمدی را بیان میکند ، و جهانی شدن دین اسلام و انتشار آن در همه قارات و الحاق بشریت به اسلام ، در میان کل اقوام بشری ، آن را به اثبات می رساند .

سرنوشت منکرین و اهل قساوت :

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ : « و کسانی که آیات و راهنمایی ها و دلایل ما را تکذیب و انکار کردند و راه عناد و عداوت و کفر در پیش گرفتند ، بزودی آنها را « از جهتی که فکرش را نمیکنند » مؤاخذه و مجازات می نمایم » .

مجازات را نباید صرفاً مطابق عرف درک کرد و آن را تنها حمل بر عذاب و رنج دیدن نمود . رنج و عذاب دیدن ، اعم از روحی و جسمی ، بخشی از مجازات است . اما بزرگترین مجازات ، عقیم گشتن و باطل شدن و محو شدن است ، خصوصاً کنار زدن باطل و منکرین و سلب توانایی از اهل انکار و قساوت و خنثی سازی آنها ، بزرگترین خسارت و شکست برای خط انکار و قساوت بحساب میاید . و در صورت الحاق منکرین و قاسیان و حد اقل خلع سلاح آنها و سلب تمکن از آنها ، بزرگترین ضربه بر پیکر پلید انکار و قساوت وارد خواهد آمد و سرانجام راه و خط کفر و عناد رو به زوال خواهد نهاد . این وضع اهل انکار و قساوت در دنیاست . در آخرت هم زیان و خسارت پیروان روش انکار و قساوت ادامه خواهد داشت و در آن وقت کار

و امرشان بدست الله است ، و خَسِرَة الدنيا و الآخرة هستند . لازم به ذکر است که همه جباران تاریخ و نظامهای استبدادی و امپراتوران سلطه‌گر در حالی رو به اضمحلال و سقوط و انقراض نهاده و محو شده اند که خود را قدرت مطلقه تصور می‌کرده اند ، و این اضداد بشریت هرگز حاضر نشده‌اند که حتی تصور سقوط و نابودی خود را به دل راه دهند ، و اطرافیان‌شان هم اگر خواسته‌اند در این رابطه چیزی بگویند ، به فجیع ترین روشها اعدام شده و قربانی پیش‌بینیهای خود شده اند . فرعون یکی از این جباران است که خود را رب الاعلی میخواند و کسی جرئت نداشت نابودی او را پیش‌بینی کند . اما همین فرعون در حالی که داشت غرق می‌شد ، برای نجات از غرقابی که گرفتارش آمده بود ، طلب بخشش و مغفرت میکرد ، تا بلکه در صورت نجات! جبران‌ش کند . شوروی هم خود را آخر تاریخ فرض میکرد و میگفت سرنوشت همه بشریت به نوع حکومت آن منتهی میشود و امکان شکست خود را محال تلقی میکرد و مخالفانش را به عنوان موجودات واقع در زباله‌دان تاریخ! مجازات می‌نمود ، و دیکتاتوری پرولتاریا را بعنوان مقدمه رسیدن به جامعه کمونیستی که آن را آخرین مرحله زندگی بشریت تحمیل کرده بودند ، معرفی می‌نمود . اما دیدیم که بشریت تحت سلطه نظامهای کمونیستی چگونه به امان آمد و چگونه شوروی و دیگر دولتها و حکومتهای کمونیستی را در مدت کوتاهی به گورستان تاریخ سپرد . نظام استبدادی پهلوی هم ایران تحت حاکمیت خود را جزیره ثبات! تبلیغ میکرد و مدعی رساندن ایران به دروازه تمدن اروپایی بود! ، ولی به عنوان مستبدی خائن و قاتل از کشور رانده شده ، و در حالی که زار می‌گریست جایی نداشت که بدان پناه ببرد و اربابانش هم او را راه نمی‌دادند!!

آیا آمریکای استعمارگر و امپریالیست و جهان‌خوار نیز که زندگی را بر بشریت در سطح زمین تنگ و تلخ کرده و کمتر کشوری در دنیا وجود دارد که بمبهای آمریکا روی آن منفجر نشده باشند و خون انسانهای بیگناه و یا آزادیخواه و استقلال طلب را نریخته باشند و سربازانش آن کشورها را مورد حمله و هجوم قرار نداده باشند ، از جایی که فکرش را نمیکند ، مضمحل و متلاشی نخواهد شد . آیا استعمار آمریکایی - صهیونی که بزرگترین مصیبت تاریخ فلسطین و کشورهای مجاور آن بحساب می‌آید و یک جنگ مستمر صد ساله را بر اعراب و مسلمین تحمیل کرده و حد اقل پنج کشور عربی و اسلامی را و کل سرزمین فلسطین را و قدس واقصی را با زور مخربترین سلاحها غصب کرده و میلیونها انسان فلسطینی را کشته و آواره

ساخته و پنج کشور منطقه را غصب و اشغال کرده است ، به سرنوشت جنایتکاران و جباران تاریخ دچار نخواهد شد ؟
قوانین الهی به بشریت مژده میدهند که سرنوشت ظالمان و جباران قاتل و غاصب بسیار شوم و سیاه است ، و از مؤاخذه الهی ، چه از طریق قوانین ناشناخته و شناخته شده تکوینی و حاکم بر خلقت ، و چه از طریق اجرا شدن قوانین تشریحی بدست مستضعفین ، گریزی نخواهند داشت . **إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ : »**
الحق الله خلاف وعده نمی کند .

سازمان موحدین آزادیخواه ایران
۱ رمضان ۱۴۲۲ - ۲۵ آبان ۱۳۸۰